بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

1/3/1400

( مطهرات - غائب شدن مسلمان - اقوال علماء - ادله - شرائط آن )

هجدهمین از مطهرات : غایب شدن مسلمان است ، اموری باید در اینجا بحث شود :

امر اول : آیا غایب شدن از مطهرات است یا نه ؟ اقوالی وجود دارد :

قول اول : غایب شدن انسان مسلمان باعث می شود که هم بدن و هم لباس و فرش و ظروف منزل و هر چه در دستش است پاک است و اکثر فقها به این قائل اند و هو المختار

قول دوم : غایب شدن مسلمان مطهر نیست مرحوم ملا محسن فیض کاشانی در مفاتیح الشرایع آورده است و مرحوم محقق اردبیلی و صاحب مدارک در این بحث تردید کرده اند

قول سوم : بین بدن و غیر بدن فرق گذاشته اند که مرحوم ملا احمد نراقی در المستند و صاحب موجز گفته اند که غیبت مسلمان مطهر بدن است فقط

اما دلیل قول اول :

یک : اجماع که مرحوم صاحب جواهر نقل کرده و مرحوم شهید ثانی در تنقیح القواعد آورده است

دوم :سیره قطعیه که متصل به زمان معصوم علیهم السلام است و این سیره را مرحوم سید طباطبایی به صورت شعر آورده است :

واحکم علی الانسان بالطهارة مع غیبة تحتمل الطهارة

و هکذا ثیابه و ما معه لسیرة ماضیة متبعة ( امضاء شده )

سوم : قاعده ظاهریه است و آن این است که حال هر مسلمانی این است که از نجاست دوری می کند لذا می گویند به ظاهر حال مسلمان عمل کنید چون از نجاست اجتناب می کند و از مسلمان سوال نکنید که لباس نجس را شسته ای یا نه ؟ مرحوم شهید ثانی در تنقیح القواعد نوشته است که از فقهای امامیه بدست می آید که علت مطهر بودن غیبت مسلمان را ظاهر حال او می دانند

چهارم : مفهوم موافقت ادله حجیت اخبار ذوالید یا ثقه است که اگر کسی ذوالید است یا ثقه است و خبری بدهد خبرش حجت است پس به طریق اولیٰ بدن و لباس و فرش و ... او پاک است لذا گفته اند دست مسلم اماره شرعیه است و راه رسیدن به طهارت واقعیه است

پنجم : لازم آمدن حرج که باید همه لوازم و وسایل آن شسته شود این موجب حرج است و حرج در اسلام منفی است

اما امر دوم : شرایط مطهریت غائب شدن مسلمان : مرحوم سید در عروه ۵ شرط آورده است :

شرط اول : بداند که لباس یا فرش یا بدن و دست و .... مسلمان به فلان نجاست برخورد کرده است ، مرحوم شهید در ذکری و مرحوم محقق در مقاصد این شرط را آورده اند ( نکته : اینجا استصحاب بقای نجاست جاری نمی شود چون اینجا اماره است و مقدم بر آن است و دیگر اینکه سیره مخصص این استصحاب است )

شرط دوم : بداند صاحب لباس مثلا که این لباس نجس یا متنجس است (یعنی نجسی سرایت به چیزی کرد ) ، و علم ایشان از روی اجتهاد باشد یا تقلید باشد مثل اینکه مکلف از مجتهدی تقلید می کند و آن مجتهد قائل به نجاست فلان چیز است ◼️ و‌لذا آن علمی که ما می گوییم سه حالت دارد :

یا علم وجدانی است که خودش دیده اینجا نجس شده و یا علم اجتهادی است و مجتهدی است که بین حرمت اکل و نجاست فضله و بول ملازمه قائل است یا اینکه تقلید می کند از چنین مجهتدی ، در این صورت اگر این مسلمان غائب شود حکم به طهارت می شود چون عمل به ظاهر حالش می شود

شرط سوم : باید آن لباس یا پارچه یا هر چیزی که میخواهیم حکم به طهارت بکنیم باید مشروط به طهارت باشد به طوری که نوعا مردم آن شیئ را پاک می کنند و بعد از آن استفاده می کنند مثل لباسهایی که از پوست حیوانات تهیه می شود که پوشیدن این لباس مشروط به طهارت است

شرط چهارم : بداند که یکی از همین اشیایی که می خواهد استفاده کند این اشیاء در مقام استفاده مشروط به طهارت است ، در فرض قبلی اصل آن چیز مشروط به طهارت بود اما اینحا استفاده آن مشروط به طهارت است

شرط پنجم : احتمال بدهیم که این شیئ را پاک کرده است مثلا کسی که بی موالات است و اهمیت به نجاست و طهارت نمی دهد ولو اینکه غائب شود دلیل بر طهارت اشیایی منزل و لوازم او نمی شود